

نیکوس پولاتراس، مارکسیست یونانی فرانسوی، به همراه آلنوسر از چهره‌های اصلی مارکسیسم ساختارگر یا حساب می‌آید. اگرچه او یکی از جامعه‌شناسان شناخته‌شده در ایران است، جزو کتاب و چند مقالهٔ چیزی از او به فارسی موجود نیست، «طبقه در سرمایه‌داری معاصر» یا ترجمه حسن مسعودی فراسکی در سال ۱۳۹۶ و «فاشیسم و دیکتاتوری» با ترجمه فردی به نام «دکتر احسان» در سال ۱۳۶۰. عجیب است نشر آگاس پس از چهار دهه هنوز اقدام به بازنشر «فاشیسم و دیکتاتوری» نکرده است. ترجمه فارسی کتاب در قالب دو مجلد منتشر شده بود. مجلد اول به سه فصل اول کتاب اختصاص داشت و مجلد بعدی به فصل باقی‌مانده کتاب تعلیمی و دقیق و دقیق از پدیده فاشیسم به دست می‌دهد. پولاتراس در این کتاب به برداشت‌های غیرعلمی از فاشیسم می‌پردازد و متخاصم تأکید دارد موضع کمپین را اشتراک‌یووال سوم در قبال این مسئله نادرست بوده است. او تحلیل خود را با اشاره به دو نمونه لاکسیک از فاشیسم، یعنی فاشیسم ایتالیا و آلمان پیش می‌برد. این تحلیل دقیقاً منطبق است بر نظریه دولت و طبقه پولاتراس.

پولاتراس از این باور است که فوریت مسئله فاشیسم مطالعه دربارۀ آن را به ضرورتی سیاسی بدل کرده است. در نظر او، به دلیل شدت مبارزه طبقاتی مسئله دولت استثنایی و نیز فاشیسم را دیگر طرح شده است. درست همانطور که مسئله انقلاب، پولاتراس این کتاب در سال ۱۹۷۰ منتشر کرد ولی در همان سال هم تأکید داشت که این مسائل به طرزیک گسترده به آینده کشیده خواهد شد. گذشت زمان ادعای او را ثابت کرد. زمینه این کتاب را می‌توان مارتالیسم تاریخی دانست که مثل هر فاشیسم دیگری در این زمینه پاینده به نظر می‌رسد. کتاب به سه حوزه اصلی می‌پردازد (۱) فاشیسم به مثابه یک پدیده سیاسی خاص، او می‌کوشد عناصر اصلی فاشیسم را بشناسد و برای این کار بر مطالعه همه‌جانبه جایی که فاشیسم در آن ریشه گرفت تمرکز است و شرایط خاص آن را بررسی می‌کند. او به بیان کار می‌کوشد عوامل دست دوم را از علل اصلی آن جدا کند و بر اساس آن تعریف زمینه و شرایط ظهور محدود این پدیده را بررسی کند (۲) فاشیسم به عنوان تنها شکلی از نظام‌های دولت سرمایه‌داری استثنایی در میان اشکال بسیار دیگر آن، او به سایر نظام‌ها اشاره می‌کند. ازجمله نازیسم و اشکال مختلف دیکتاتوری نظامی. از این‌رو، تأکید دارد پدیده سیاسی خاص فاشیسم را تنها تا تأیید نظریه‌ای می‌توان تجزیه و تحلیل کرد که در عین حال هم نظریه بحران سیاسی و هم فاشیسم و قدرتشان را تفسیر می‌دهد.

نیز منطبق بر سایر رژیم‌های سرمایه‌داری استثنایی است. (۳) تمرکز بر خدمتی بین‌الملل سوم است به فاشیسم. پولاتراس تأکید دارد بحث پیرامون فاشیسم بدون پرداختن به طبقه کارگر غیرممکن است و نمی‌توان از طبقه سیاسی در دوران بین دو جنگ صحبت کرد بدون اشاره به سیاست‌های کمپین. در نظر او کمپین در سرتاسر دوران حیات خود در اروپا با فاشیسم موجه وجود و خدمتی کمپین در رابطه با فاشیسم خاصیت مناسب از نظریه و عمل گسترده‌تر از آن رابطه با بیشتر مسائل مربوط به جنبش کارگری است. از این‌رو، وقوع تاریخی فاشیسم فرضی مطلوب برای بررسی و مطالعه کمپین است. کتاب چنین مطالعه‌ای را با پرداختن به اصول روشنفق در خدمتی کمپین با تحلیل اشرار واقعی و آن را ارائه دوباره فاشیسم‌های خود کمپین اشرار می‌دهد. در نظر او، این ضرورت دارد چون جنبش کارگری مهر خود را بر مکتب‌های علم سوم زد.

با تمام این اوصاف فصل اصلی کتاب فاشیسم است. اگر دولت استثنایی سوم خود کتاب بود پولاتراس ناچار بود به بررسی دقیق و منروح فاشیسم و دیکتاتوری‌های نظامی بپردازد. همین مسئله در مورد بین‌الملل سوم نیز صادق است. اگر این مطلب موضوع کتاب بود باید بسیاری از فاشیسم سیاسی است، از این دلیل مسئله فاشیسم، بررسی می‌شد. پولاتراس توان فاشیستی را شکلی خاص از دولت استثنایی می‌داند که نباید با سایر اشکال دولت سرمایه‌داری اشتباه گرفته شود. فاشیسم رژیمي خطرناک است از انطباق با یک بحران سیاسی. او با مطالعه فاشیسم به همراه پدیده مشابه دیگر فاشیسم معینی از فاشیسم دولت سرمایه‌داری را توصیف می‌کند. همین در این مورد بسیار دیگر هم صادق بود. به خصوص به دور عملکرد خردپرویزولای در چارچوب فاشیسم. این کتاب را نمی‌توان مطالعه وواقع‌گرایانه‌ای از فاشیسم آلمان و ایتالیا دانست بلکه مطالعه‌ای در نظریه فاشیسم است که البته بدون یک پژوهش تاریخی کامل امکان‌پذیر نیست. حوادث تاریخی و جزئیات مشخص در این نقطه تا یاد حد به حد که گزافه نگردد، در چارچوب آن شده است.

بر وجود آن شده است. گذشته این نخستین باری است که فاشیسم مارکس را در نظر گرفته فرهنگ یک فاشیسم مارکس تراک می‌داند، به خوبی نشان می‌دهد که مردم سوسیال‌دموکراتیک در برابر فاشیسم به همراه تحلیل سیاسی و از روابط طبقاتی و فاشیسم مارکس به عنوان یک نمونه یارزان برای مردم کرده، مدعایی را که آن در صورت فاشیسم در حاشیه بودند رستار ساخته است. به نظر می‌رسد در دوره‌ای که طبقات حاکم تمایل با توانایی برای پرداختن به شرایط بلندمدت زندگی طبقه کارگر نشان نمی‌دهد، فاشیسم را قابل ویرور باشد، این بحران نه تنها یادگار خود را در اقتصاد بزرگ که میراث افکار و تفکر پرهوری از سال ۱۹۷۰ تا امروز است.

اما با مسأله را درست بررسی کنیم. سوسیالیسم خلا دیگر یک خرده‌فرهنگ نیست اما هنوز هم فقط یک پایگاه مردمی بزرگ است. سازمان سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های سوسیالیستی کشور، به شخصیکر مثلاً با فاشیسم تئودا نمی‌پردازد. از سوی دیگر، اگرچه پولاتراس به هیچ و نظم دقیق تاریخی در پایان نمی‌کشد، تحلیلش بیشتر مورد آلمان را همواره قبل از ایتالیا قرار می‌دهد. به این علت که خصیصی فاشیسم در نازیسم آلمان را روستنر از فاشیسم ایتالیا می‌داند. این تقدم و تاخر به این علت نیست که نازیسم مدنی است برای جنبش ملی فاشیسم، بلکه بیشتر به این دلیل است که به هسته بحث این کتاب نزدیک شود. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر ترجمه و نشر کتاب‌های درباره تاریخ و جنبش فاشیسم، متفکران آثار کتاب نوشته شدت و سرعت زیادی در ایران گرفته است. مطالعه این کتاب فرضی مناسب فراهم می‌کند برای ارزیابی یکی از مجهزترین وقایع تاریخی قرن بیستم که همچنان ادامه دارد.